



## بهره مندی از مظاهر مدرنیته به معنای نابودی سنتها و اضمحلال فرهنگی نیست/انتخاب باید آگاهانه باشد

معاون فرهنگستان علوم اسلامی قم با بیان اینکه کمترین بهره مندی از مظاهر مدرنیته به معنای نابودی سنتها و اضمحلال فرهنگی نیست، گفت: انتخاب آگاهانه از دستاوردهای بشری می تواند ...

معاون فرهنگستان علوم اسلامی قم با بیان اینکه کمترین بهره مندی از مظاهر مدرنیته به معنای نابودی سنتها و اضمحلال فرهنگی نیست، گفت: انتخاب آگاهانه از دستاوردهای بشری می تواند مفید باشد و مبدأ پیشرفت جوامع دیگر قرار گیرد اما معمولا انتخابها هوشمندانه نبوده استحجت الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا پیروزمند معاون فرهنگستان علوم اسلامی قم در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد این موضوع که فراموشی سنتها باعث انقطاع فرهنگی و شکاف نسلی فرهنگی می شود. یکی از عواملی که باعث فراموشی سنتها می شود، غرق شدن در مدرنیته و هویت مدرن است. آیا می توان بخشی از هویت مدرن را گرفت و دچار فراموشی سنتها نشد؟، گفت: مدرنیته تحول و نگرش غربی است که به تبع در سبک زندگی آنها ایجاد شد و به میزانی که در کشورهای دیگر به عنوان الگو مورد قبول قرار گرفت به کشورهای دیگر تسری پیدا کرد.

وی افزود: اینکه ما چگونه باید با مدرنیته مواجه شویم و چه آثاری را باید انتظار داشته باشیم، تابع درکی است که از مدرنیته داریم و اینکه پیوند بین اجزای مختلف مدرنیته با هم چگونه است.

وی با اشاره به اینکه اگر کمترین بهره مندی از مظاهر مدرنیته پیدا کنیم لزوماً به معنای نابودی سنتها و اضمحلال فرهنگی هست، بیان کرد: این باور باور درستی نیست. به دلیل اینکه انتخاب آگاهانه از دستاوردهای بشری می تواند به عبارتی مفید باشد و مبدأ پیشرفت جوامع دیگر قرار گیرد اما آنچه که معمولا در کشورها اتفاق نیفتاده و در کشور ما هم حتی پس از انقلاب اسلامی رخ نداده این است که این انتخاب، انتخاب هوشمندانه ای نبوده است.

پیروزمند در ادامه سخنانش تصریح کرد: وقتی انتخابی بخواهد هوشمندانه باشد طبیعتاً انسان همه اجزای مدرنیته را به شکل چشم بسته مورد قبول قرار نمی دهد و علاوه بر این و مهمتر اینکه مدرنیته را به عنوان اجزای مستقل از هم ربطی به همدیگر ندارند و گسسته از هم تصور نمی کند.

وی تأکید کرد: بنابراین نکته حائز اهمیت در پاسخ به سؤال شما این است که به این امر توجه شود به اینکه وقتی ما به صورت فراگیر و به عنوان فرهنگ و تمدن، فرهنگ و تمدنی که خود را برتر می داند بخواهیم از مدرنیته بهره برداری کنیم بخواهیم علم و فناوری او و سبک زندگی او را به صورت فراگیر مورد استفاده قرار دهیم و فرض را بر این بگذاریم که دستاوردی که آنها به آن دست پیدا کردند محصول تلاش میراث بشری است و صرفاً باید موارد مغایر شر را از او جدا کرد. در این صورت حتماً این بلیه ای که شما در سؤال خود از آن پرهیز دادید اتفاق می افتد و آن اضمحلال فرهنگی است و اضمحلال فرهنگی حتماً به هضم سنتها منجر خواهد شد.

پیروزمند در ادامه در پاسخ به این سؤال که در هویت کنونی میانگین افراد جامعه ما، سنتها چه نقشی دارند؟، گفت: اولاً باید در مقدمه عرض کنم که سنتها به دو دسته تقسیم می شوند: یکی سنتهای دینی و یکی هم سنتهای ملی است. سنتهای دینی که مشخص است یعنی رفتارهایی که منشأ و خاستگاه در تعالیم اسلامی دارد.

وی افزود: سنتهای ملی هم به دو دسته تقسیم می شوند، سنتهایی که اسلام آنها را تأیید کرده یا نسبت به آنها سکوت کرده و دسته دوم سنتهایی هستند که مغایر(متضاد) با تعالیم دینی هستند که عمدتاً مربوط می شوند به آنچه که در ادبیات دینی از آنها به عنوان خرافات یاد می شود.

این محقق و استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: نکته دوم اینکه طبق دلیلی که عرض شد هر سنتی لزوماً ستودنی و نگه داشتنی نیست. باید به سنتهایی پای بند بود که اصالت دارد و هویت بخش و فرهنگ ساز است و مبدأ تقویت دیانت مردم و تحکیم و استمرار تدین و اخلاق اسلامی در جامعه اسلامی می شود.

وی با بیان اینکه باید این نوع سنتها را پاس داشت، اظهار داشت: در نقطه مقابل آدابی که ممکن است سنت هم نباشند اما مبدأ تکامل و پویایی جامعه می شوند و می توان براساس فرهنگ اسلامی بر آنها صحه گذاشت آنها هم دفاع از سنتهای صحیح و اصیل نباید مانع از پذیرش نوآوری در سبکها و مدها و امثال آن باشد.

وی در پایان سخنانش بیان کرد: با این وصف می‌خواهم عرض کنم که باید در مواجهه‌ای که غرب با سنت‌های ما دارد این ملاحظات را توجه کنیم و نسبت به پاسداری از سنت‌های هویت بخش خودمان اهتمام داشته باشیم.